
نامه‌های خاموشان

(نامه‌های ناموران فرهنگی و ادبی به ایرج افشار)

جلد اوّل

(آ-ب)

به کوشش

محمد افشین وفایی، شهریار شاهین‌دژی



انتشارات سخن، تهران

سرشناسه : افشین وفایی، محمد، ۱۳۵۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : نامه‌های خاموشان: نامه‌های ناموران فرهنگی و ادبی به ابرج افشار (آ - ب) /
 به کوشش محمد افشین وفایی، شهریار شاهین‌دژی.
 مشخصات نشر : تهران: سخن، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۸۰۰ ص.
 شابک : 978 - 964 - 372 - 548 - 8
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.
 عنوان دیگر : نامه‌های ناموران فرهنگی و ادبی به ابرج افشار (آ - ب).
 موضوع : افشار، ابرج، ۱۳۰۴-۱۳۸۹.
 موضوع : نامه‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
 شناسه افزوده : شاهین‌دژی، شهریار، ۱۳۵۸-
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۰ ن ۷ الف / PIR۴۳۰۷
 رده‌بندی دبویی : ۸۵۶/۶۲۰۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۴۳۰۹۷



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۶۳۸۷۵

www.sokhanpub.com

E-mail: info@sokhanpub.com



نامه‌های خاموشان

(نامه‌های ناموران فرهنگی و ادبی به ایرج افشار)

جلد اول (آ - ب)

به کوشش

محمد افشین‌وفایی، شهریار شاهین‌دژی

چاپ اول: ۱۳۹۰

نیراز: ۲۲۰۰ نسخه

لینوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۵۴۸-۸



مرکز پخش: انتشارات علمی - خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران

شماره ۱۲۲۴، تلفن: ۶۶۴۶۵۹۷۰-۶۶۴۶۰۶۶۷

فهرست

۱۱	پیشگفتار.....
۲۱	چهار نامه از ایرج افشار.....
۳۱	نامه‌های خاموشان.....
۳۳	دکتر مهدی آذر.....
۶۷	مهدی آذر یزدی.....
۱۰۹	رضا آراسته.....
۱۱۳	احمد آرام.....
۱۲۷	اسکندر آزموده.....
۱۳۳	دکتر احمد آذیر.....
۱۴۳	مهدی آستانه‌ای.....
۱۵۷	سید جلال‌الدین آشتیانی.....
۱۷۱	دکتر محمد آشنا.....
۲۰۹	جلال آل احمد.....
۲۲۱	حبیب‌الله آموزگار.....
۲۲۹	عبدالحسین آیتی یزدی.....
۲۳۳	هوشنگ ابرامی.....
۲۴۱	حبیب ابراهیم‌زاد.....
۲۵۳	حشمت احتشامی.....
۲۷۱	مهدی اخوان‌ثالث.....
۲۷۵	دکتر محمدحسین ادیب.....
۲۷۹	دکتر فریدون اسدزاده.....
۳۱۳	محمدحسین اسدی.....

۳۲۳	عباس اسکندری
۳۲۷	حسن اعتصام
۳۳۳	چراغعلی اعظمی سنگسری
۳۳۹	دکتر هوشنگ اعلم
۳۷۵	منوچهر افضل
۳۷۹	ابوالقاسم افنان
۳۹۳	دکتر سهیل افنان
۳۹۷	عباس اقبال آشتیانی
۴۰۷	مهندس محسن امیر
۴۱۷	دکتر منوچهر امیری
۴۲۳	سید کریم امیری فیروزکوهی
۴۴۱	دکتر علی امینی
۴۴۷	دکتر محمدهادی امینی
۴۵۱	سید ابوالقاسم انجوی شیرازی
۴۵۵	عبدالحسین مسعود انصاری
۴۶۱	مهندس مهدی بازرگان
۴۶۵	دکتر نصرت‌الله باستان
۴۶۹	حسینعلی باستانی راد
۴۷۳	دکتر امیرمهدی بدیع
۴۹۷	مسعود برزین
۵۰۱	دکتر مهدی برکشلی
۵۰۵	قاسم اخوان برنا
۵۱۱	دکتر جواد برومند سعید
۵۱۷	اسفندیار بزرگمهر
۵۲۳	جمشید بزرگمهر
۵۵۹	گلرخ بزرگمهر

۵۶۳	منوچهر بزرگمهر
۵۶۷	جلال بقائی نائینی
۵۹۷	سید عبدالحجّه بلاغی
۶۰۱	به آذین (محمود اعتمادزاده)
۶۰۵	صمد بهرنگی
۶۰۹	علی نقی بهروزی
۶۱۳	محمدجواد بهروزی
۶۲۵	دکتر محمود بهزاد
۶۲۹	یدالله بهزاد کرمانشاهی
۶۳۹	دکتر عیسی بهنام
۶۴۳	دکتر مهدی بیانی
۶۴۷	دکتر ابوالقاسم بیدار
۶۵۱	احمد بیرشک
۶۵۷	عباس بیضائی
۶۶۱	دکتر غلامحسین بیگدلی
۶۶۵	تقی بینش
۶۸۳	فهرست‌ها
۶۸۵	فهرست نویسندگان نامه‌ها به ایرج افشار
۷۲۷	فهرست اعلام

پیشگفتار

هیچ میدان فضل و مرکب عقل
در کفایت چو تو سوار نداشت
ماستم روزگار داشته‌ام
که دگر چون تو روزگار نداشت

قرار بود استاد ایرج افشار، خود بر این کتاب نیز مانند نامه‌های ژنو^۱ مقدمه بنویسد. قرار بود نامه‌ها را باهم مقابله کنیم. قرار بود فهرست‌ها را خود استخراج کند تا آنچه را لازم می‌داند در آن بیاورد. قرار بود نامه‌های تمام مجلدات را هم خود از میان چند هزار نامه موجود برگزیند. قرار بود پانویس‌های توضیحی بیشتری بر کتاب بیفزاید. اما مرگ آن بزرگ، تمام قرارها را برهم زد. دریغا و بسیار بار دریغا.

ناگزیر چند سطری دربارهٔ این نامه‌ها و شیوهٔ کار در این کتاب آورده می‌شود تا خوانندگان در جریان جزئیات کار باشند.

امروزه با پیشرفت علم و رواج تلفن، تلفن همراه، پست الکترونیکی (ای‌میل) و پیامک (اس ام اس)، متأسفانه سنت دیرین نامه‌نگاری تقریباً از میان رفته است. طبیعی است که با سرعت و سهولتی که در آنها وجود دارد نیاز به مکاتبه و میل بدان که محتاج صبوری و صرف وقت و حوصلهٔ بیشتری است بسیار کاهش یافته باشد. «توهم کمبود وقت» بیماری عصر ماست. هم از این روست که همه چیز را در همان لحظه‌ای که اراده می‌کنیم می‌جوئیم. آنگاه که با شخصی کاری داریم می‌خواهیم که او را در همان لحظه بیابیم و با او سخن بگوئیم. و این

۱. نامه‌های ژنو (نامه‌های جمال‌زاده به ایرج افشار)، با همکاری محمد افشین‌وفایی و شهریار شاهین‌دزی، تهران، سخن، ۱۳۸۸.

مسأله رفته‌رفته سنت نیک نامه‌نگاری را منسوخ کرده و جای آن را به نظایر مدرنش داده است.

نامه‌ها جز آنکه بیانگر حالات و عواطف انسانی در هنگام دلتنگی‌اند، معمولاً اطلاعاتی واقعی در اختیار ما می‌نهند. بسیاری از آنچه امروز از تاریخ می‌دانیم از لابه‌لای همین نامه‌ها به دست آمده است؛ نامه‌هایی که بیشینه آنها به دلایل مختلف از جمله غفلت در نگاهداری یا بی‌اهمیت شمردن یا به سبب جنبه‌های خصوصی‌شان و بیم از افشای مطالب محرمانه از میان رفته‌اند.

از آنجا که نامه‌ها تقریباً هیچ‌گاه به قصد آنکه روزی انتشار یابند نوشته نمی‌شوند و نیز از آنجا که در بسیاری موارد، دوستی نزدیک، مخاطب قرار می‌گیرد، غالباً مطالب آنها بی‌هیچ پرده‌پوشی بیان می‌شود و همین مسأله اهمیت نامه و نامه‌نگاری را بیشتر می‌کند و ضرورت طبع برخی نامه‌ها را سبب می‌گردد. نامه‌هایی از این دست، در گذر تاریخ نقشی مهم پیدا می‌کنند و در تفسیر و بازشناسی برخی رویدادهای مهم سودمند توانند بود.

بی‌گمان ایرج افشار از حیث وسعت مکاتبات پیوسته با ایرانی و غیر ایرانی یک استثنا بود. همواره ناگزیر بود برای اداره روابط گسترده‌اش با دیگران در هر کجای دنیا که حضور داشت نامه‌نگاری منظمی داشته باشد. فهرست مفصل اشخاصی را که به او نامه نوشته‌اند یا به تعبیر بهتر، آنان را که نامه‌هایی از ایشان در دست مانده است، به پیشنهاد خود او در پایان این جلد آورده‌ایم. تنوعی که در میان مخاطبان نامه‌های افشار دیده می‌شود گویای وسعت بی‌نظیر روابط اوست؛ اشخاصی با گرایشهای مختلف فرهنگی، مذهبی، سیاسی و ... که طبعاً هر کدام دیدگاه‌های متفاوت خود را دارند و البته روابطشان با افشار، بیشتر فرهنگی و گاه هم به سبب دوستی یا آشنایی قدیم بوده که همان هم در نهایت به روابط فرهنگی انجامیده است؛ سخن یکسره از کتاب است و نسخه؛ از کتابخانه است و کتابداری؛ از مجله است و مقاله.

۱. متأسفانه برخی نامه‌هایی که به افشار نوشته شده‌اند از گزند حوادث روزگار در امان نمانده‌اند؛ مانند نامه‌هایی که در دفتر مجله راهنمای کتاب از بین رفته‌اند یا نامه‌های مرتضی کیوان و چند نامه دکتر محمد مصدق.

طبعاً عوامل متعددی باعث آمده بود تا دامنه مکاتبات افشار روز به روز گسترده‌تر شود. شاید در آغاز نوجوانی او، روابط وسیع پدرش، دکتر محمود افشار با بزرگان ایران زمین در شروع ارتباطات او بی‌تأثیر نبوده باشد. مجله‌نگاری و اداره بی‌طرفانه مجله‌های مختلف از دوران جوانی و خوی تساهل‌مدار افشار هم قطعاً در آنچه گفته شد نقش داشته است. دیگر ایران‌شناسی و ایران‌گردی افشار بود که همیشه دل در گرو آن داشت و هیچ لذتی برای او بالاتر از سیر و سفری که منجر به شناخت بیشتر از ایران باشد، نبود. این مسأله هم یکی از دلایلی است که باعث شده بود افشار، دوستان و آشنایان فراوانی داشته باشد.

افشار دفتر تلفنی داشت که از روی آن می‌شد تاحدی به دامنه وسیع روابطش پی برد. زیرا آن دفتر به جای داشتن ترتیب الفبایی نام اشخاص، بر اساس نام استانها مرتب شده بود و در زیر آن شهرها و شهرستانها تا به روستاها و کورده‌دها می‌رسید. در هر گوشه‌ای از ایران که آبادی کوچکی بود آشنایی و دوستی داشت که غالباً هم از ارادتمندان او بودند.

دانش بیکران افشار هم از دیگر عوامل وسعت مکاتباتش بود. چه، در چندین زمینه متنوع، صاحب تخصص بود و این مسأله دیگران را فاگیر می‌کرد با او روابط علمی داشته باشند. خاصه آنکه بسیاری از مجامع علمی جهان، از او برای حضور یا سخنرانی در حوزه کارهایش دعوت می‌کردند. از طرفی وی، اصلی‌ترین پی‌ارتباطی میان خاورشناسان خارجی و محققان ایرانی بود.^۱ نیز از معدود افرادی بود که با ایران‌شناسان ایرانی که سالیانی دراز در خارج از ایران زندگی می‌کردند آشنایی نزدیک داشت و طرفه اعتماد ایشان بود.

افشار به بایگانی کردن نامه‌هایی که به دستش می‌رسید اهمیت می‌داد. نامه‌ای را دور نمی‌انداخت، اصلاً هیچ سند و کاغذی را بی‌ارزش نمی‌دانست و به نظر می‌رسد بخش مهمی از تاریخ‌نگاری معاصر که مدیون کف با کفایت ایرج افشار و درحقیقت قسمتی از میراث علمی اوست تا حد زیادی از همین دیدگاهش سرچشمه گرفته باشد. افشار بود که خاطرات بسیاری از بزرگان و یا استاد و نامه‌های ایشان را نشر داد که از لابه‌لای آنها آگاهی‌های ارزنده‌ای در باب تاریخ معاصر به دست آمدنی است.



۱. نامه‌های شرق‌شناسان به افشار نیز به‌زودی در مجله‌های جداگانه‌ای به طبع خواهد رسید.

نامه‌های خاموشان - عنوانی که ایرج افشار برای این کتاب برگزید - از جنبه‌های گوناگونی مهم است: حالات شخصی نویسندگان آنها را - که اغلب اشخاص سرشناسی هستند - در بعضی از گوشه‌های زندگی‌شان باز می‌نماید. گاه بیانگر کیفیت فضای فرهنگی - اجتماعی و تاحدی سیاسی روزگاری است که نامه‌ها در آن به رشته تحریر درآمده‌اند. نظر نویسندگان را درباره بعضی کتابها، مجلات، اشخاص و یا حوادثی که روی داده، منعکس می‌کند. از طرفی این نامه‌ها نمودار نوع روابط نویسندگانشان با ایرج افشار هم هست. البته در نامه‌هایی که به افشار نوشته شده است جنبه‌های خصوصی کمتر از جنبه‌های دیگر بازگو می‌شود.

متأسفانه افشار معمولاً از نامه‌هایی که خود برای دیگران می‌نوشت کپی یا رونوشتی تهیه نمی‌کرد. و این البته بسیار طبیعی است؛ مخصوصاً با امکانات محدود آن روزگار و با حجم وسیع مکاتبات افشار. اما جای دریغ برای ما باقی است. چه اگر آن نامه‌ها امروز در دسترس بود طبعاً اطلاعات مهم دیگری نیز از میان آنها به دست می‌آمد. همین‌جا از اشخاصی که نامه‌هایی از ایرج افشار در اختیار دارند تقاضا می‌کنیم رونوشتی از آنها را به آدرس زیر ارسال دارند تا به نام خودشان در یک مجلد جداگانه به طبع برسد:

صندوق پستی ۵۸۳-۱۹۵۷۵ - نیاوران - تهران - ایران - گنجینه پژوهشی ایرج افشار.

خوب است در اینجا ماجرای چاپ نامه‌های حاضر را به اختصار بیان کنیم. پس از آنکه یاریگر ایرج افشار در انتشار نامه‌های رُنو شدیم، وی پیشنهاد کرد تا به آماده‌سازی و تدوین بقیه نامه‌هایی که بزرگان درگذشته ایران زمین یا شرق‌شناسان به او نوشته‌اند - در چند مجلد با عنوان نامه‌های خاموشان و احتمالاً نامه‌های شرق‌شناسان - بپردازیم. یعنی از میان چند هزار نامه که در اختیار او بود تعدادی را انتخاب و منتشر کنیم. معیاری هم که برای این انتخاب تعیین کرد این بود که نامه‌های دو دسته از اشخاص درگذشته باید به طبع برسد: نخست نامه‌هایی که دانشمندان یا دیگر بزرگان نوشته‌اند و دیگر نامه‌هایی که نویسندگان آنها، اطلاعات مفید فرهنگی - اجتماعی به خواننده می‌دهند.

با توجه به حجم فراوان نامه‌ها، پیشنهاد کردیم که از میان نامه‌هایی که برای انتشار برگزیده می‌شود انتخابی دیگر هم صورت گیرد و بعضی از نامه‌ها که اهمیت و ارزش بیشتری

دارد به چاپ برسد؛ اما افشار نپسندید و گفت: از لحظه‌ای که قرار بر انتخاب می‌شود پای سلیقه افراد هم به میان می‌آید و طبعاً اختلاف نظرهایی پیش می‌آید در این خصوص که کدام از اهمیت بیشتری برخوردار است و کدام اهمیت کمتری دارد. هر شخصی که بر اساس دو معیار بالا برگزیده شود باید تمام نامه‌هایش به طبع برسد.

درست می‌گفت. ناگزیر بودیم به روشی پایبند باشیم. اگر چنین انتخابی صورت می‌گرفت ممکن بود این انتظار هم برای برخی به وجود آید که از میان آن تعداد هم که برگزیده‌ایم، تنها بخش‌های مفیدتر چاپ شود. طبعاً در نامه‌ها، تکرارهایی هم هست که ممکن است گاه موجب ملال شود و نیز در لابه‌لای آنها سلام و احوالپرسی و سخن‌های روزمره هم یافت می‌شود که برای خوانندگانی که انتظار دارند از هر جمله نامه‌ای، اطلاع مهمی به دست آورند چندان دلچسب نخواهد بود. اما باید توجه داشت همان اطلاعات مفید نیز در میان همین حرفهای عادی گفته آمده است و اگر قرار باشد که گزینش و انتخابی چنین انجام شود، هم اصل امانتداری زیر سؤال خواهد رفت (و در نتیجه اعتماد خواننده کم می‌شود)، هم اینکه چون سلیقه‌ها مختلف است شاید آنچه از نظر کسی صحبت‌های پیش پا افتاده تلقی شود از دید دیگری چندان بی‌اهمیت نباشد. پس بهتر است آن تعداد از نامه‌ها که به طبع می‌رسد عیناً آورده شود تا خوانندگان آنچه را می‌خواهند، خود از میان آنها بیابند. تنوعی هم که در نامه‌هاست غالباً سبب می‌شود مطالب در نظر خوانندگان، دلپذیر و عاری از یکنواختی باشد. باری، افشار، خود نامه‌ها را تا پایان حرف «الف» انتخاب کرده بود. تمام آنها را به حروفچین سپردیم و بعد از مدتی نمونه نخست از جلد اول آماده شد.

قرار گذاشتیم در طول سفر درمانی‌اش به امریکا یک بار اصل نامه‌ها را با متن حروفچینی‌شده مقابله کنیم تا بیاید و بار دیگر به کار ادامه دهیم. دستورالعمل‌ها را داد و گاه که در متن چشمش به مواردی می‌افتاد که توضیحی نیاز داشت در پای صفحه یادداشتی می‌افزود. نوشتن توضیحات بیشتر را موکول به زمانی کرد که بازگردد و با هم مقابله مجدد را انجام دهیم.

قضا دیگر خواست و آنگاه که بازگشت رمقی نداشت تا به ادامه کار پردازیم. هر بار موکول به هفته بعد می‌کرد تا توانی بیابد و به کارها سامان دهد. چند دفعه گفت: «این بار بیماری‌ام طول کشید؛ اما هفته بعد بهتر می‌شوم. آن وقت بیائید.» در این میان چند بار به

بیمارستان منتقل شد. آخرین بار که از بیمارستان مرخص می‌شد با صدایی بسیار آرام، سراغ کارِ نامه‌ها را گرفت. تاب و توان نداشت. حتی برای اینکه آماده‌اش کنند ساعتی صبر کردیم تا بلکه قوتی بگیرد. بی‌رمق بود و بس ناتوان. او که روزگارش را به چالاکی گاه برستیغ کوه‌ها، گاه در میانه کوی و دل دشت، گاه در کنار رودها و دره‌ها، گاه بر سر ویرانه‌های پیشینیان و گاه در بقعه‌ها و گورستانها به ایران‌گردی و ایران‌شناسی گذرانده بود اکنون چنین بر بستر بیماری افتاده بود و از آن جوش و خروش‌ها نشانه‌ای با خود نداشت.

در همان حالت، خواست تا عصر روز بعد به منزلش برویم که وقفه‌ای در کار ایجاد نشود. روز بعد با همه بی‌حالی و بی‌رمقی، دو سه ساعتی کار کرد. ذهنش هنوز هم بسیار فعال بود، جسمش بود که مدد نمی‌رسانید. کلیات را می‌گفت؛ جهت‌ها را می‌نمود؛ دیگر با جزئیات کاری نداشت.

بقیه نامه‌ها را هم تا پایان حرف «ث» انتخاب کرده بود و خواست تا آنها نیز به حروفچین داده شود. قرار شد نامه‌های حرف «ب» نیز به پایان جلد اول افزوده شود تا نامه‌ها در مجلدات کمتری به چاپ برسند. در پانویس‌ها نیز توضیحات دیگری در معرفی نویسندگان نامه‌ها اضافه کرد و گفت: «آنها را کامل کنید تا بعد.» بعدی که دیگر نیامد.

گفتم: «در بعضی نامه‌ها به شما تندی شده و گاه نویسنده نامه‌ای بی‌ملاحظه و حتی توهین‌آمیز مطلبی ناروا را به شما نسبت داده است. اگر اجازه دهید آنها را حذف کنیم.» پاسخ از پیش معلوم بود: «به آنها دست نزنید. عیناً چاپ شود.»

آخرین نوشته‌هایش همان‌ها بود که با دست لرزانش در نمونه اول این کتاب افزود یا لغزش‌هایی که به چشمش آمد و اصلاح کرد. چون یکی دو روز پس از آن به بیمارستان بردندش و دیگر بازنگشت، ناگزیر شدیم طبق وصیت آن بزرگ، کار را بی‌او ادامه دهیم. «سخن‌ها که آدمی است بر احداث روزگار.»



باری، در آماده‌سازی و تنظیم این جلد از نامه‌ها چند نکته را در نظر داشته‌ایم: چون مجال نیافتیم نمونه‌های تایی را با افشار به مقابله مجدد بگیریم پس از سه بار مقابله، سعی کردیم آن تعداد از نامه‌ها را که او بخش‌هایی از آنها را در مجلات مختلف به طبع

رسانیده بود بیابیم و توضیحاتش را به ذیل صفحات این کتاب بیفزاییم. همه این یادداشت‌ها را در پانویس با امضای «ا.ا.» یا «ایرج افشار» آوردیم و پانویس‌های نویسندگان نامه‌ها را نیز به نام خودشان مشخص کردیم تا از آنچه ما توضیح داده‌ایم مجزاً باشد. پس پانویسهای بی‌امضا از ماست.

برای کامل کردن معرفی نویسندگان نامه‌ها نیز - چنانکه افشار خواسته بود - به مطالبی که او در راهنمای کتاب، آینده، کلک، بخارا و... برای بعضی از ایشان نوشته بود مراجعه کردیم. در مواردی که یادداشتی برای این نویسندگان در مجلات نگاشته بود پس از معرفی کوتاهی از آنها در آغاز نامه‌های هریک، خوانندگان را به آن مجله ارجاع دادیم تا اگر می‌خواهند بیشتر با نوع ارتباط آن شخص با افشار پی ببرند و یا اگر مایلند آگاهی بیشتری درباره او داشته باشند بدان مراجعه کنند. چون پس از درگذشت افشار، دست‌نویس کتاب این دفتر بی معنی (خاطرات ایرج افشار) نیز به دست آمد، هرجا مناسب دیدیم به آن نیز ارجاع دادیم تا پس از چاپ آن کتاب، خوانندگان بتوانند بدان مراجعه کنند.

در درست خواندن و فراهم آوردن نامه‌ها هم با دشواری‌های متعددی مواجه شدیم: بعضی قسمت‌های کاغذها فرسوده شده یا از بین رفته است و به سختی می‌شود مطالب آن را درست خواند. نیز برخی نامه‌ها با خودنویس یا روان‌نویس بر کاغذی دو رو نوشته شده و با گذشت روزگار به سهولت قابل خواندن نیست. خط بعضی نویسندگان نامه‌ها ویژگی‌های خاصی دارد و برخی هم خط خوبی ندارند. ضبط صحیح بعضی از اسامی نیز مستلزم شناخت آنان است. ما کوشیدیم با مقابله چندباره و تأمل و دقت بسیار و احیاناً مراجعه به منابع دیگر صورت درست کلمات را بخوانیم و به طبع برسانیم.

اشاره به این نکته نیز ضروری است که تا آنجا که ممکن بود سعی کردیم متن نامه‌ها را عیناً چاپ کنیم؛ هرچند با عقاید عده‌ای از نویسندگان نامه‌ها در مورد برخی مطالب، همداستان نبودیم یا قضاوت آنان را متصفانه نمی‌دانستیم. اما امانتداری چنین ایجاب می‌کرد که تغییر یا حذفی در آنها صورت ندهیم. با این حال در مواردی اندک، برخلاف روشی که در پیش گرفته بودیم، ناگزیر از حذف برخی مطالب شدیم. این موارد را با [...] متمایز کردیم. پس اگر در متن نامه‌ای سه نقطه بدون قلاب (کروشه) وجود دارد از نویسنده آن است. از طرفی چون در بسیاری موارد، هدف بیان کردن مطلبی خصوصی بوده است و نیز چنانکه گفته آمد نویسنده

و مخاطب، آشنایی نزدیک داشته‌اند و نامه‌ها نیز به قصد طبع و انتشار نوشته نمی‌شده است در انشای آنها بعضاً دقت کافی دیده نمی‌شود و چه بسا سهوهایی هم از این لحاظ در آنها وجود داشته باشد. اگر می‌خواستیم پیوسته در پانویس، توضیح دهیم که «در اصل چنین است» ناگزیر بودیم بارها این جمله را تکرار کنیم. هم از این رو جز به گاه ضرورت از آوردن چنین جملات توضیحی خودداری کردیم. در مواردی نادر هم، برای رفع ابهام، ناچار کلمه یا عبارت کوتاهی را در بین قلاب به متن افزودیم. پس آنچه در میان [] باشد از ماست.

گاهی بعضی نامه‌ها، چنانکه در قدیم مرسوم بوده، در پشت پاکت پستی نوشته شده و بنابراین آدرس نویسندگان آنها هم باقی مانده است. در چنین مواردی برای آنکه خواننده آگاه باشد که نویسنده نامه در آن هنگام در کجا می‌زیسته و احیاناً مطالب مطرح شده مربوط به کجاست و نامه از کجا ارسال شده، مبدأ را در آغاز نامه و البته داخل قلاب افزودیم.

ممکن است گاهی نویسنده نامه‌ای، بعضی اسامی را به دو صورت یا حتی به اشتباه ضبط کرده باشد. معمولاً در چنین مواردی هم اصل را حفظ کردیم و گاه در پانویس، توضیحی افزودیم.

شعرهای منقول در نامه‌ها و همچنین عبارت‌های عربی که لابد غالباً از حافظه نویسندگان آنها نقل شده در مواضعی با تحریف یا تغییر همراه شده است. در این موارد تنها در مواضع بسیار ضروری پانویسی توضیحی آوردیم.

ضمناً کوشیدیم رسم الخط نامه‌ها تقریباً به شیوه‌ای یکدست و بر اساس آنچه امروزه مرسوم است باشد. از آنجا که نشانه‌گذاری‌های نامه‌ها و پاراگراف‌بندی‌ها نیز به سبب آنکه کاغذها به دست افراد مختلفی نوشته شده شیوه واحدی نداشت، سعی کردیم در این موارد هم حتی‌المقدور اسلوبی یکسان برگزینیم.

تاریخ نامه‌ها را نیز در همه موارد به آغاز نامه‌ها آوردیم تا از این لحاظ، شکلی واحد داشته باشند.

در بازبینی نمونه‌نهایی کتاب، براساس قرائنی متوجه شدیم که چند نامه بی‌تاریخ در جای درست خود، یعنی با رعایت ترتیب تاریخی، قرار نگرفته است. چون فهرست‌ها استخراج شده بود و مجالی برای چنین تغییراتی نبود ناچار به توضیحی در پانویس‌ها اکتفا کردیم.

باری اصل نامه‌ها بنا به وصیت افشار به گنجینه پژوهشی ایرج افشار در کتابخانه مرکز

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی سپرده شده است و هرکس بخواهد می‌تواند بدانجا مراجعه کند و از آنها بهره‌یاب شود.

پس از مقدمه، چهار نامه از استاد ایرج افشار که از امریکا برای ما فرستاده است و یادگارهای ارزشمندی برای ما محسوب می‌شود آورده شده است؛ از آن رو که هم نمونه نامه‌های او در این کتاب به چاپ برسد، هم خوانندگان نمونه‌هایی از دستورالعمل‌هایی را که او برای کارها می‌داد، ببینند. نامه نخست مربوط به روزگار خوشی است که باهم مشغول آماده‌سازی کتاب نامه‌های ژنو بودیم. نامه دوم و سوم هم پس از درگذشت استاد از میان کاغذهای ایشان پیدا شد و به دست ما رسید و نامه چهارم که چندی پیش از درگذشتش نوشته شده، زمانی است که نمونه‌های اول چاپی کتاب حاضر، در دست ما بود و مشغول تصحیح آن بودیم.

در مراحل مختلف آماده‌سازی نامه‌های این جلد از مهر و مدد عزیزانی برخوردار بوده‌ایم که از ایشان سپاسگزاریم.

بیشتر از همه، فاضل ارجمند، آقای بیوک رضائی که حروف‌نگاری پاکیزه و صفحه‌بندی کتاب را برعهده داشتند. ایشان به سبب دوستی دیرین با استاد ایرج افشار و طبعاً علاقه به میراث علمی وی و نیز از سر مهر و بزرگواری نسبت به ما - درحالی که تازه از جراحی چشم فارغ شده بودند - حروفچینی نامه‌ها را که کاری طاقت‌فرسا و نیازمند تجربه خواندن خطوط مختلف بود به انجام رسانیدند و از اصلاحات و دستکاری‌های ما شکایتی نکردند.

استاد دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی، دوست نزدیک و یار شفیق استاد افشار و واسطه آشنایی ما با آن بزرگ در سال‌هایی پیش از این، که مانند همیشه مشکلات خود را نزد ایشان بردیم و بی‌دریغ مدد‌ها کردند.

فرزندان استاد، آقایان بهرام، کوشیار و آرش افشار که، در زمان بستری بودن استاد در بیمارستان و هم در روزها و هفته‌های پس از درگذشت آن بزرگ که در منزلشان به جدا کردن

و دسته‌بندی کاغذها و مقابله با اصل نامه‌ها مشغول بودیم، همواره یاری‌رسان ما بودند و از هیچ کمکی دریغ نورزیدند.

دوستان گرامی، آقایان پژمان فیروزبخش، ارحام مرادی، مهدی فیروزیان و خانم‌ها سحر وفایی و سحر مازیار که ما را در به ثمر رسیدن این کار یاری‌ها رسانیدند. دوست ارجمند و ناشر فرهنگ‌دوست، آقای علی‌اصغر علمی که از همان آغاز آمادگی خود را برای انتشار این نامه‌ها به استاد ایرج افشار اعلام کردند و بعد هم با پی‌گیری‌های پیوسته خود، انگیزه‌بخش ما برای ادامه کار بودند.

محمد افشین وفایی - شهریار شاهین‌دژی

محله عباس‌آباد تهران، ۲۳ شهریور ۱۳۹۰ خورشیدی

www.ketab.ir